

تحلیل دبیرکل حزب...عراق از نتایج انتخابات این کشور:

عراق ضد آمریکایی ترمی شود

■ معاون حشدالشعبی در گفت و گوبا «فرهیختگان» تاکید دارد که مهم ترین نکته در انتخابات اخیر عراق، روی کار آمدن گروه هایی است که ضدآمریکایی هستند و با ارتش ایالات متحده در داخل خاک عراق مبارزه کرده اند

«»

«فرهیختگان» بررسی کرد

سیر تاپیاز انتخاب رشته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۹۷

«»



تحلیل سیدمحمد مردنی درباره نامه فعالان ملی مذهبی و تبلیغ مدل کره شمالی
توصیه کرباسچی و دوستان به ساخت بمب اتم

عقلمندان ایران

«»

«یادداشت

«آن سوی ابرها»، ما هیچ، ما نگاه



معین احمدیان
دبیر فرهنگی

اگر بخواهیم سه فیلمساز شناخته شده و مهم سینمای بعد از انقلاب را نام ببریم، قطعا نام مجید مجیدی یکی از آنهاست. واضح است که مجیدی از همان نخستین گام های فیلمسازی، به نمایش آثارش در فراتر از مرزهای ایران بی رغبت نبود و البته فرصت حضور این آثار در خارج از کشور هم فراهم شد و فیلم به فیلم در تولید و اکران و حضور در جشنواره های خارجی، شیوه های متنوعی را تجربه کرد، تا فیلم اخیرش «آن سوی ابرها» که در سکوت رسانه ای در سینمای هند تولید شد و خیلی بی سروصدا هم اوایل اردیبهشت ماه، همزمان با سینمای هندوستان در سالن های سینمای ایران اکران شد؛ فیلمی که بعد از دوماه اکران در معدود سالن های سینمای کشور، با فروش ضعیف ۱۹۴ میلیون تومانی هفته گذشته از سرگروهی سینما پایین آمد و خیلی بی سروصدا تر از آنچه فکرش را بکنید از سالن های سینمای ایران خداحافظی کرد. «آن سوی ابرها» از دنیای انسان امروز می گوید و شرط بقای انسانیت و مجیدی تمام پیش فرض های مخاطب ایرانی از «فیلم هندی» را به هم می ریزد. زد و خورد قهرمان، پلیس و قاچاقچی هندی را بازتعریف می کند و حتی رقص و آواز هندی را به اقتضای مضمون فیلم، بر پرده سینمای ایران به رخ می کشد و شاید هم بهتر باشد بگوییم که به رخ کشید و رفت. پرده سینما چند سالی است در قبضه رقص و آواز «خالتور» و «تگزاس» و «سلام بمبئی» است و برای «آن سوی ابرها» جایی باز نمی کند. غالب رسانه ها هم از این عقب ماندگی سینمای ایران عقب نماندند. کافی است حرف و حدیث های یکی، دوماهه گذشته رسانه ها را درمورد سینمای ایران مرور کنید. میان بلبشوی رفتن و نرفتن و جایزه گرفتن جعفر پناهی به کن و نوشتن نامه برای بازگشت بهروز وثوقی، بازیگر سینمای پیش از انقلاب به کشور و دعوای پخش بازی فوتبال در سالن های سینما، دیگر جایی برای حرف زدن و حتی نقد کردن فیلم جدید مجیدی و شیوه جدید فیلمسازی اش در هندوستان نمی ماند. «آن سوی ابرها» و حال و روز سینمای ایران گرفتار بیماری ای شده که در بخش هایی از میدان دید خود، ابزار ناپیایی می کند. گویا مجیدی و فیلمش عامدانه دیده نمی شوند تا میدان بازی در اختیار نوع خاصی از فیلم ها قرار بگیرد. البته که خلا جدی گفتمان مشخص و قدرتمند میان توریسین های فرهنگی دولت، این وضعیت را تشدید کرده است. البته مجید مجیدی در تنها گفت وگویی که در یک ماه اخیر از او منتشر شده به همین مساله اشاره می کند و می گوید: «همین امروز هر کسی بخواهد فیلم بسازد، نقدیگی در اختیارش قرار می گیرد به شرط اینکه مفهوم و مفاهیم فیلمش هجو و شوخی های سخیف باشد.» مجیدی با توجه به اینکه دل خوشی از مدیران فرهنگی دولت احمدی نژاد ندارد، ریشه این مشکلات را به وضعیت فرهنگی شکل گرفته در دولت های نهم و دهم مرتبط دانسته و البته تاکید کرده که مساله فرهنگ در دولت روحانی گرفتار اشتباهات فاحشی است و در همان مصاحبه گفته است: «اگر دولت احمدی نژاد در حوزه فرهنگ فاجعه بود و هیچ درک درستی از این مساله نداشت، در دوره روحانی فرهنگ مساله اول نبود.» سینمای مجیدی از ابتدای حیات و شکل گیری اش واجد ظرفیت ها و قصه های انسانی بود و توانست با حمایت داخلی در فضایی فراتر از مرزهای ایران حضور یابد. تا همان اوایل دهه ۸۰ که به قول مجیدی، سینمای ایران در بازی سیاست نیفتاده بود، گوی سینمای بین الملل در اختیار مجیدی و فیلمسازیانی چون کیارستمی بود تا اینکه با ظهور پدیده فرهادی و جعفر پناهی و البته تشدید فضای سیاسی در سینمای ایران، معادله جدیدی برای معرفی فیلمسازان بین المللی در مختصات جشنواره های خارجی رقم خورد و جایگاه ها تغییر کرد. آثار فیلمسازیانی چون مجیدی در حوزه بین الملل جای خود را به فیلم هایی دادند که در یک سوء تفاهم سیاسی رشد کرده بودند. بازی سیاست در میدان سینمای ایران باعث شکل گیری نقشی موج از «حضور بین المللی سینمای ایران» شد و این حوزه در انحصار یک نوع نگاه و جریان سینمایی باقی ماند؛ جریانی از عوامل داخل سینمای ایران که نمونه اش سه سال پیش در جریان برگزاری جشنواره مونترال کانادا به دبیر جشنواره طومار نوشتند که فیلم سینمایی «محمدرسول... (ص)» را از اکران افتتاحیه حذف کنند، چون فیلم بدنه سینمای ایران نیست و یک فیلم حکومتی است.

دینامیت زیر ظرفیت معادن

■ درحالی که سهم معدن از تولید ناخالص ملی در کشورهای پیشرو ۶ درصد است این عدد در اقتصاد ایران به ۷/۰ رسیده است. آمار رسمی می گوید در ۵ سال اخیر حدود ۵۰۰ معدن تعطیل شده است

صفحه ۹ را بخوانید

معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی در گفت وگوبا «فرهیختگان» خبر داد

جذب هیات علمی از تیرماه

■ از سال جاری واحدهای دانشگاهی باید با ارزیابی شرایط و ظرفیت ها اسامی اعضای هیات علمی خود را که امکان پذیرش دانشجوی دکتری دارند، مشخص کنند «»



پایان آقای رمانتیک؟

پس از اکران ناموفق آخرین ساخته مجید مجیدی پرونده ۳۰ ساله فعالیت این کارگردان باسابقه را بررسی کردیم

«»

خبر

یک منبع آگاه به «فرهیختگان» خبر داد

واقعیت ماجرای تجاوز در ایرانشهر چیست

یک منبع آگاه در گفت وگو با «فرهیختگان» درخصوص خبر تجاوز به ۴۱ دختر در ایرانشهر گفت: «استاندار سیستان وبلوچستان تجاوز به ۴۱ دختر در این شهر را تکذیب و اعلام کرده تعداد دخترانی که به آنها تجاوز شده سه نفر است.»

وی افزود: «افراد متجاوزکننده چهار نفر بوده اند که یکی از آنها دستگیر شده و تلاش ها برای دستگیری سه نفر دیگر ادامه دارد. متهمان از بلوچ های اهل سنت منطقه هستند.»

مولوی محمد طیب ملازهی، «امام جمعه اهل سنت شهر «ایرانشهر» در استان سیستان وبلوچستان در خطبه های نماز عید فطر از تجاوز گروهی به ۴۱ دختر در این شهرستان از سوی اعضای یک باند که پس از دستگیری اعتراف کرده است، خبر داده بود.

ملازهی گفته بود: «این اوپاش از همین بچه های من و شما بوده اند که اگر اسم شان را آغاز کرده اند که برای خواهند افتاد.»

گزارش «فرهیختگان» از فعالیت های اولین گروه جهادی دخترانه دانش آموزی کشور

کار جهادی به سبک دهه هشتادی ها

لایه لای دول ده ها، البته یکی دهه شصتی است و آن یکی هفتادی یا هشتادی، حتی لایه لای شکمش های جنسیتی و اینکه مثلا چرا روی دیوار نوشته میدان ولی عصر (عج) تصویر هیچ خانی نشده است و دغدغه هایی در این سطح، چنده ده دختر نوجوان دبیرستانی و دانشگاهی تحت هدایت یک روحانی خوش ذوق و امکانات رفاهی نظیر میکان مناسب و غیراستیجاری برای اسکان خلی ها در حد شعار باقی مانده و کاری از پیش نبرده اند. آنان بعد از بسته های ارزاق و جشن میلاد امام حسن (ع) و تهیه و توزیع لوازم التحریر و... حالا در شمال تهران و در مجتمع شادی خیابان مقدس دلبیلی کام بزرگتری برمی دارند....

صفحه ۷ را بخوانید

بیش از آنکه به همگرایی برای پیوستن به صنوف علاقه مند باشند، ترجیح می دهند به شکل انفرادی مسیر فعالیت های خود را دنبال کنند و از انجمن ها فاصله بگیرند. داود گنجه ای، عضو شورای عالی خانه موسیقی با تاکید بر اینکه خانه موسیقی امروز ۱۸ هزار عضو دارد، ولی از این بین فقط پنج هزار نفر آنها از تسهیلات بیمه برخوردارند، به این نکته اشاره دارد که اغلب هنرمندان موسیقی در این سال ها نه تنها حاشیه امنی برای امرار معاش نداشته اند که لاجرم به مشاغل دوم و سوم هم روی آورده اند. با این اوصاف، عضو شورای عالی خانه موسیقی از کمبودها و تنگناهایی که در سال های گذشته تا به امروز بر سر راه صنوفی چون خانه موسیقی قرار گرفته، سخن می گوید و وقتی صحبت از میزان تخصیص بودجه به صنوفی از این دست به میان می آید، اذعان دارد بودجه هایی که برای سرپا نگه داشتن حیات صنوف از سوی ارگان هایی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نظر گرفته می شود، همواره محدود بوده و هست. محمداقرا آقامیری، رئیس انجمن نگارگران نیل سازهاست به این مساله اشاره دارد که اولیای امور نه تنها به آن شکلی که باید به ماهیت انجمن های هنری توجه نشان نمی دهند که عملا شرایط رفاهی مانند تخصیص ملک هایی غیراستیجاری برای انجمن ها را هم نادیده می گیرند. در عین حال وقتی پای صحبت اهالی هنر می نشینیم به این نکته می رسمیم که برخی از آنها خاصه آن دسته که از ابتدا آتیه این مسیر را می خوانده اند، مشاغل دولتی را محور زندگی خود قرار داده و از فعالیت در رشته های هنری به عنوان گریزی از روزمرگی بهره گرفته اند. این طور به نظر می رسد که اگر قرار باشد صنوف به حمایت جدی از هنرمندان بپردازند، اهرم های پیش برنده تری در این زمینه لازم است تا به پرتنگ شدن نقش مدنی صنوف در جامعه کمک کند. محدودیت در زمینه برداشتن قدم های موثر برای هنرمندان از کار افتاده از سوی نهادهای مدنی نظیر سندیکاها و انجمن های هنری، در حالی در سال های اخیر ابعاد پرتنگ تری به خود گرفته که برخی از اهالی فرهنگ و هنر به این نکته باور دارند که اساسا در ردیف معدود کشورهای هستیم که تقریبا در هیچ برهه ای از زمان، سندیکا و صنف در جامعه ما به آن معنی پا نگرفته و نتوانسته به جامعیت و دوام لازم دست یابد تا از این رهگذر، هنرمندان را مورد پشتیبانی قرار دهد. آنچه مسلم است اینکه حمایت همه جانبه صنوف از هنرمندان خاصه آن دسته از هنرمندانی که به دلیل کمپولت سن، دستخوش مشکلاتی می شوند، نیازمند داشتن پیش فاکتورهایی است. درواقع اینکه صنوف از سوی دولت به ویژه سیاستگذاران فرهنگی جدی گرفته شوند، اولین نکته ای است که می تواند سراغز برداشتن گام های جدی در مسیر حمایت از هنرمندان و به تبع آن اعتلا و شکوفایی عرصه های مختلف هنری تلقی شود. هرچند در این سال ها تجربه ثابت کرده، صرف نظر از آشفتگی درونی و وضعیت نابسامان صنوف هنری، عدم تخصیص ردیف بودجه مناسب برای قائل شدن امکانات رفاهی نظیر مکان مناسب و غیراستیجاری برای اسکان دادن انجمن ها و همین طور جای خالی شکل گیری آیین نامه های مدون برای تحت پوشش قرار دادن هنرمندان واجد شرایط در صنوف که بتوانند با آسودگی خاطر و فارغ از دلمشغولی های معاش و بازنشستگی به فعالیت هنری در جامعه بپردازند، به مفارقت میان اعضا و صنوف هنری دامن زده و باعث شده نقش و کارکرد صنوف و انجمن ها نزد هنرمندان از محدوده تشکیلاتی فرمالیته و تزئینی فراتر نرود.

در این سال ها به همان اندازه که خبر از موج سواری سلبریتی های پرزنگو لعاب بر جریان های روز هنر کم نشنیده ایم، به همان نسبت هم در رسانه ها با اخباری درباره کسالت یا درنهایت مرگ خاموش هنرمندان بی ادعا مواجه شده ایم. اگرچه شاید خبرهایی از این دست، امروز نزد عامه مردم، خاصه آنهایی که پیگیر اخبار هنرمندان مورد علاقه خود هستند خوشایند و حتی جالب نباشد، اما چراغی را در ذهن کسانی که دغدغه مند مسائل فرهنگی و رویدادهای جدی جامعه هستند روشن می سازد. اگرچه فراز و فرود روزگار، هیچ انسانی را در این جهان از رنج دوران بی نصیب نمی گذارد، اما مساله ای که در این بین اهمیت دارد این است که اغلب هنرمندانی که ناملایمات و نامهربانی های روزگار را در روزهای زندگی تجربه می کنند، عضوی از بیکره سندیکا های هنری هستند. آنچه اما در این بین مبهم باقی می ماند این است که صنوف به معنی واقعی در این سال ها چه دستاوردی برای هنرمندان در پی داشته اند؟ این طور به نظر می رسد که برخلاف تحولات نقش اتصال دهنده میان هنرمندان با مشکلات پیش رو از جمله بازنشستگی، بیمه و... را ایجاد کنند. با وجود آنکه «بیمه» از گذشته تا امروز به عنوان سوپاپ اطمینانی برای همه افراد جامعه به شمار می رود، ولی هنوز هستند طیف گسترده ای از هنرمندان که سال هاست بدون داشتن این کمربند ایمنی، در جاده های پرپیچ و خم خانه موسیقی، انجمن های هنرمندان تجسمی مشتعل بر انجمن شدت گرفتن کسالت و تنگناهای اقتصادی که هنرمندان به ویژه آن دسته که در قیاس با هنرمندان جوان، ینیه جسمانی شان برای ادامه فعالیت در عرصه هنر، بر اثر کمپولت سن روز به روز در حال تحلیل رفتن است، در حالی مطرح می شود که اندکی تامل در این حیطه کافی است تا برای یافتن پاسخ های مورد نظر، یک پله به عقب برگردیم و این سوال را بپرسیم که اصلا خود صنوف در این سال ها چقدر از سوی دولت به رسمیت شناخته شده و به تبع آن مورد حمایت قرار گرفته اند؟ با نگاهی اجمالی به روند فعالیت صنوف مختلف مانند خانه موسیقی، انجمن های هنرمندان تجسمی مشتعل بر انجمن سفال و سرامیک، انجمن نقاشان، انجمن گرافیک، انجمن نگارگران، انجمن مجسمه سازان و... می توان دریافت که دست اندرکاران صنوف اگرچه خود از بدنه هنرمندان جامعه و باطنا علاقه مند به همیاری هنرمندان و اعضای این صنف هستند، ولی در این سال ها آن طور که باید به لحاظ تخصیص بودجه برای رسیدن به اهداف مورد نظرشان تأمین نبوده اند. مساله دیگری که درباره صنوف به وجود می آید، فاصله زیاد بین اعضا و دست اندرکاران نهادهای مدنی است. سال هاست اعضای هیات مدیره که در صنوف هنری فعالیت اجرایی دارند، انتقاد می کنند که عملا تلورانس و توازنی میان کیفیت حضور اعضا به نسبت کمیت آنها براساس آمار و ارقام برقرار نیست و فقط تعداد کمی از هنرمندان در طول یک سال با این نهادهای مرتبط با حرفه خود در تماسند. از سوی دیگر، هنرمندان هم پاسخی برای این گلایه مندی دارند و بر این باورند که صنوف در این سال ها جز در مواردی نظیر برگزاری مجمع های ماهانه یا سالانه و دریافت حق عضویت از هنرمندان، عملا قدم های مؤثرتر دیگری برای بهبود حال آنها برنداشته است. شاید به همین خاطر است که اغلب هنرمندان



آزاده صالحی
روزنامه نگار

دیدگاه

این خانه دور است